

شناخت قوانین، رعایت مقررات سد راه بروز تقلب و فساد



✍ میثم نصیری احمدآبادی

طبق بندهای ۴ و ۸ استانداردهای
حسابرسی ۲۴۰، تقلب عبارت از
هر گونه اقدام عمدی یا فریبکارانه
یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان

یا اشخاص ثالث، برای برخورداری از یک مزیت ناروا یا غیرقانونی است. هر چند تقلب مفهوم قانونی گسترده‌ای دارد، اما آنچه به حسابرس مربوط می‌شود، اقدامات متقلبانه‌ای است که به تحریف بااهمیت در صورتهای مالی می‌انجامد. هدف برخی از تقلبها ممکن است تحریف صورتهای مالی نباشد. حسابربان درباره وقوع تقلب قضاوت حقوقی نمی‌کنند. تقلبی که با دخالت یک یا چند نفر از مدیران واحد مورد رسیدگی روی می‌دهد به عنوان تقلب مدیران و تقلبی که تنها به وسیله کارکنان واحد مورد رسیدگی صورت می‌پذیرد به عنوان تقلب کارکنان شناخته می‌شود. در هر دو حالت، ممکن است تبانی با اشخاص ثالث خارج از واحد مورد رسیدگی نیز وجود داشته باشد.

تقلب شامل وجود انگیزه برای ارتکاب و استفاده از فرصت جهت ارتکاب آن است. بعضی افراد ممکن است مثلاً به دلیل خرج بیش از درآمد، انگیزه‌ای برای سوءاستفاده از داراییها پیدا کنند. مدیران ممکن است به دلیل فشارهای درون یا برون سازمانی برای کسب سود مورد انتظار (و شاید غیرواقعبینانه) به گزارشگری مالی متقلبانه روی آورند؛ به‌ویژه، هنگامی که پیامدهای نبود دستیابی به آن، برای مدیران اهمیت داشته باشد. فرصت گزارشگری مالی متقلبانه یا سوءاستفاده از داراییها هنگامی می‌تواند پدید آید که فرد می‌داند به دلایلی چون اعتماد بودن یا آگاهی از وجود ضعفهای خاص در سیستم، کنترل‌های داخلی را می‌توان نادیده گرفت.

همچنین اعمال خلاف قانون و مقررات عبارت است از تخلف از قوانین و مقررات که اثر بااهمیت

حسابدهی در یک کشور یا بنگاه اقتصادی کمتر باشد درجه فساد بیشتر خواهد بود.

مطابق بند ۵۲ استاندارد حسابرسی ۲۴۰، حسابرس هنگامی که تحریفی ناشی از تقلب، موارد مشکوک به تقلب یا اشتباه را شناسایی می‌کند باید مسئولیت خود را نسبت به آگاه کردن مدیران اجرایی (شامل مدیرعامل)، هیئت‌مدیره و مجمع عمومی و در برخی شرایط، مقامات ذیصلاح قانونی و اجرایی، حسب مورد به صورت کتبی یا شفاهی، مورد توجه قرار دهد.

مطابق بند ۶۰ همین استاندارد چنانچه صداقت یا درستکاری هیئت‌مدیره مورد تردید باشد. حسابرس معمولاً برای تشخیص راهکار مناسب، با مشاور حقوقی خود مشورت می‌کند. در ادامه، در خصوص صاحبکارانی که ممکن است منافع عمومی را به دلیل اعمال غیرقانونی به مخاطره اندازند در بند ۶۱ این استاندارد آمده است، مسئولیت حرفه‌ای حسابرس از نظر رازداری، معمولاً او را از گزارش تقلب و اشتباه به اشخاص خارج از واحد مورد رسیدگی باز می‌دارد. اما در برخی شرایط خاص، ممکن است قوانین، مقررات یا آرای دادگاهها، این مسئولیت را از دوش حسابرس بردارد. حسابرس در چنین شرایطی نظر مشاور حقوقی را جویا می‌شود.

مهمترین و باارزش‌ترین بخش کار در حرفه حسابرسی به منظور احراز غیرقانونی بودن اقدامات صاحبکار، اظهار نظر مستقل و کارشناسانه درباره مطلوبیت صورتهای مالی است.

و مستقیمی بر صورتهای مالی به‌جا می‌گذارد مانند اظهارات نادرست و یا از قلم‌افتادگی مبالغ به‌طور عمدی در صورتهای مالی.

رابطه بسیار نزدیکی بین فساد و رعایت نکردن قوانین و مقررات وجود دارد. علت اساسی بروز تقلب و فساد، بی‌توجهی به قانون و رعایت نکردن دقیق آن است. آنچه می‌تواند چالشهای موجود در زمینه مبارزه با تقلب و فساد را کمتر کند شناخت قوانین، آیین‌نامه‌ها، دستورالعملها و استانداردهای موجود از سوی حسابرسان است. با توجه به اینکه در رهنمودهای بین‌المللی تصریح شده است هرگونه فساد مالی به نوعی مستقیم یا غیرمستقیم بر صورتهای مالی تاثیر می‌گذارد، نقش حسابداران در تمامی ارکان این فرایند مانند حسابرسی مالی، حسابرسی عملکرد، حسابرسی مالیاتی، بازرس قانونی و مسئولیت اجتماعی حسابرسان، بیش از پیش پررنگ می‌شود.

یکی از مهمترین عوامل موثر بر فساد، نقش شفافیت مالی و اقتصادی دولت است به طوری که هر چه نقش دولت و ابزارهای حکومتی از شفافیت کمتری برخوردار باشد و نیاز پاسخگویی در این نهادها کاهش یابد، فساد بیشتر خواهد شد. سازمان شفافیت بین‌الملل، در مطالعه و تحقیق چندین ساله خود پیرامون مسئله فساد به این نتیجه رسیده است که هرچه درجه اقتصاد انحصاری و دولتی بالاتر و پاسخگویی و



مهمترین و باارزش‌ترین بخش کار در حرفه حسابرسی

به‌منظور احراز غیرقانونی بودن

اقدامات صاحبکار اظهار نظر مستقل و

کارشناسانه درباره مطلوبیت صورتهای مالی است

گزارش استاندارد حسابرسان از دو طریق، الزامات این استاندارد را برآورده می‌کند:

بیان این مطلب که رسیدگی‌های حسابرسان، طبق استانداردهای پذیرفته‌شده حسابرسی انجام شده است و اظهار این نظر که صورتهای مالی صاحبکار، طبق اصول پذیرفته‌شده حسابداری به‌نحو مطلوب ارائه شده است.

گزارش حسابرس باید گویای این مطلب باشد که حسابرسی، به‌منظور دستیابی به اطمینانی معقول از نبود تحریف بااهمیت در صورتهای مالی برنامه‌ریزی و انجام شده است.

همچنین به‌گونه‌ای توصیف کند که این موارد را هم در برگیرد:

الف: رسیدگی نمونه‌ای به شواهد پشتوانه مبالغ و اطلاعات مندرج در صورتهای مالی،

ب: ارزیابی اصول و رویه‌های حسابداری استفاده‌شده در تهیه صورتهای مالی،

پ: ارزیابی برآوردهای عمده به‌عمل‌آمده از سوی هیئت‌مدیره در تهیه صورتهای مالی، و

ث: بند اظهارنظر که شامل اشاره به استانداردهای حسابداری مورد استفاده در تهیه صورتهای مالی و اظهارنظر درباره صورتهای مالی است.

گزارش حسابرس باید حاوی نظر صریح حسابرس در این باره باشد که آیا صورتهای مالی، از تمام جنبه‌های بااهمیت، طبق استانداردهای حسابداری، به‌نحو مطلوب

ارائه شده است یا خیر.

چنانچه فرایندی که به آن اشاره کردم به‌وسیله حسابرس رعایت شود دعوی صاحبکار علیه وی که ممکن است ناشی از تضاد منافع و یا سوءتعبیر و انحراف از قوانین باشد، منجر به ایجاد مشکلات قانونی برای حسابرس نخواهد بود. اما با توجه به اشاره به پتانسیل استانداردها این امر منطقی به‌نظر می‌رسد که سازوکار موثرتری به‌منظور حمایت از حسابرسان در صورت افشا، پیش‌بینی شود.

مطابق بند ۳۳ استاندارد حسابرسی شماره ۲۵۰ در خصوص گزارشگری موارد رعایت نشدن در مواردی که حسابرس نسبت به مشارکت مدیریت ارشد، شامل اعضای هیئت‌مدیره، در فعالیتهای مغایر با قوانین و مقررات تردید دارد باید موضوع را به مقام بالاتر از مدیریت مزبور (مثلاً مجمع عمومی) گزارش کند. چنانچه مقام بالاتری وجود نداشته باشد یا حسابرس فکر کند به گزارش وی توجهی نخواهد شد یا نمی‌داند به چه کسی گزارش دهد نظر مشاور حقوقی را جویا می‌شود. مطابق بند ۳۷ در خصوص گزارش به مقامات ذیصلاح قانونی و اجرای مسئولیت رازداری حسابرس، معمولاً وی را از گزارش کردن موارد رعایت نشدن به اشخاص ثالث باز می‌دارد. اما در برخی شرایط خاص، قوانین یا مقررات موضوعه، این مسئولیت را از عهده حسابرس برمی‌دارد. در چنین شرایطی، حسابرس بهتر است به‌منظور حفظ منافع عمومی، نظر مشاور حقوقی را جویا شود. 



با توجه به اشاره به پتانسیل استانداردها

این امر منطقی به‌نظر می‌رسد که

سازوکار موثرتری به‌منظور حمایت از حسابرسان

در صورت افشا پیش‌بینی شود